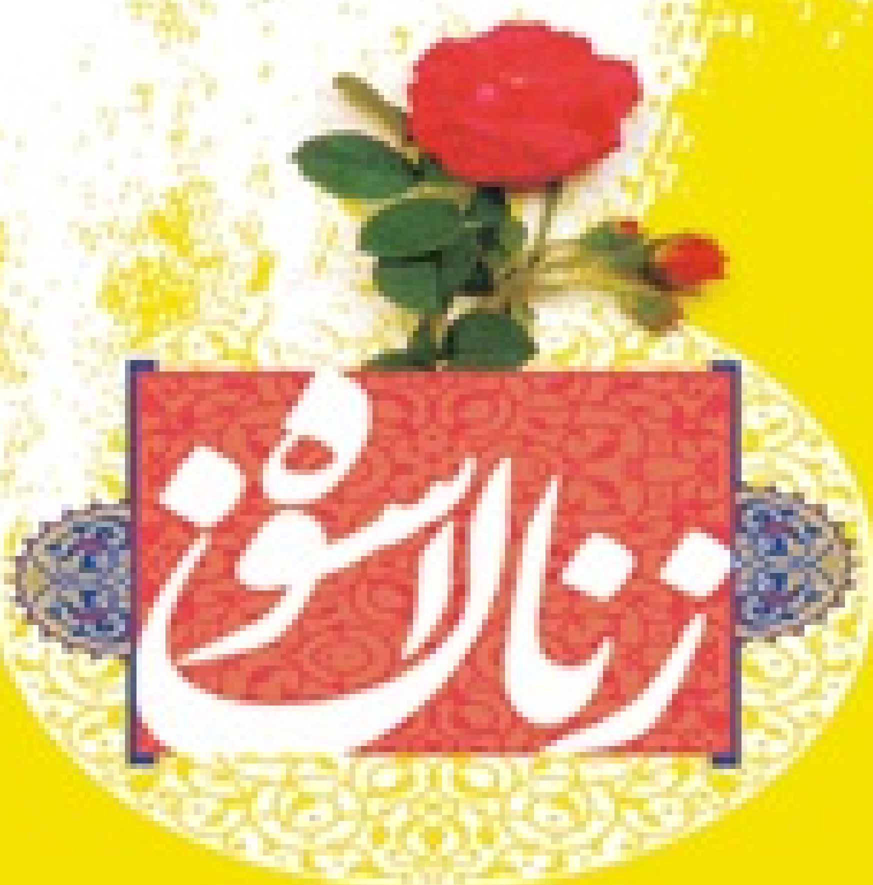
۳



مادران رضاعی پیامبر ﷺ

رمضان محمدی

عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

بسم الله الرحمن الرحیم

مادران رضاعی پیامبر صلی الله علیه وآله

نویسنده:

رمضان محمدی

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

مادران رضاعی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله

مشخصات کتاب

سرشناسه : محمدی، رمضان، ۱۳۴۳ -

عنوان و نام پدیدآور : مادران رضاعی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله (ام‌ایمن، ام‌فروه، حلیمه، ثوبیه) به ضمیمه اسماء بنت یزید و ام‌رعله/ رمضان محمدی.

مشخصات نشر : تهران: نشر مشعر، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۴۸ص.

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۳۶۵-۰

موضوع : محمد (ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ق. -- مادران رضاعی

موضوع : زنان مقدس مسلمان -- سرگذشتنامه

موضوع : زنان مسلمان -- سرگذشتنامه

رده بندی کنگره : BP۵۲/م۳۱۵م۲ ۱۳۹۱

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۷

شماره کتابشناسی ملی : ۲۷۳۳۱۰۱

ص۱

اشاره

ص۲

ص۳

ص۴

ص۵

ص ۶

ص۷

دیباچه

سعادت واقعی انسان و پویایی جوامع بشری در گرو شناخت و کارآمد کردن سیره اولیای الهی است. پرآشکار است که سیره اولیای الهی به‌ویژه اهل‌بیتِ خانـدان وحی، متقن‌ترین آموزه‌هـای تربیتی و بنیـادی‌ترین مؤلفه فرهنـگ اسـلامی است. شـناخت واقعیت‌های زنـدگی آنـان و بهره‌گیری از روش و منش و رفتـار و گفتارشـان می‌توانـد زمینه‌هـای تعـالی و سـعادت واقعی انسان را فراهم سازد. ازایـن‌رو، پژوهش در آثـار اولیـای الهی بـه‌ویژه جست‌وجـو در احـوال خانـدان پـاک نبـوت به‌منظـور الگـوگیری از آنـان ضـرورت انکارناپذیر مراکز پژوهشی است.

گروه تاریخ و سیره مرکز تحقیقات حج در راستای ایفای رسالت خود در ترویج فرهنگ اصیل اهل بیت:

ص۸

دست به انتشار شرح‌حال عده‌ای از مردان و زنان انسان‌ساز زده است که از جملهٔ آنان شرح‌حال مادران رضاعی گرامی رسول خدا۹ است که اسماء بنت یزید و ام رعله از زنان نمونه صدر اسلام نیز به جمع مادران رضاعی حضرت ضمیمه شده است. امید است که این نوشته مورد قبول آن بانوان بزرگوار قرار گیرد.

در پایان، مرکز تحقیقات حج بر خود لازم می‌داند از تلاش پژوهشگر محترم آقای رمضان محمدی، عضو هیئت علمی گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و همه کسانی که در به ثمر رسیدن این اثر تلاش کرده‌اند، سپاس گزاری نماید.

انه ولی التوفیق

مرکز تحقیقات حج

گروه تاریخ و سیره

ص۹

مقدمه

اشاره

رسول خدا۹ علاوه بر آمنه که مادر آن حضرت بود دارای دایگان و مادران رضاعی متعددی بود که او را شیر دادند و در رشد و پرورش آن حضرت سهیم شدند، و آن حضرت نیز بر اساس آیهٔ قرآنی جزای احسان، احسان است(۱) ، پیوسته از آنان به خوبی یاد می‌کرد و به بازماندگان آنان احسان می‌نمود. متنی که پیش روست، درباره برخی از دایگان و مادران رضاعی رسول خدا۹ و همچنین برخی زنان نمونه صدر اسلام است.

لازم به ذکر است که بر اساس متون فقهی ما، علاوه بر قرابت نسبی که از طریق خویشاوندی و به سبب ولادت ایجاد می‌شود، نوعی از قرابت وجود

۱- الرحمن: ۶۰.

ص ۱۰

دارد که به واسطه شیرخوارگی تحقق می‌یابد. ازاین‌رو، هر صنفی که از طریق سبب بر هم حرام می‌شوند، از طریق رضاع نیز همان افراد بر یکدیگر حرام می‌شوند و خویشاوندی شرعی بین فرزند و خانواده ایجاد می‌شود. علاوه بر حکم فقهی رضاع، در معارف دینی نیز خویشاوندی به رضاع مانند خویشاوندی به نسب، دارای حقوق و تکالیفی می‌شود که براساس آن لازم است همدیگر را احترام کنند.

در این متن برای آشنایی مخاطبان، شرح حال چهار تن از دایگان و مادران رضاعی آن حضرت آمده است. البته دایگان حضرت تا ده نفر ذکر شده است که آگاهی قابل توجهی از دیگر دایگان در دست نیست. البته شرح حال دو تن از زنان نمونه صدر اسلام نیز ضمیمه پژوهش شده است. امید است که این مختصر مورد رضایت رسول گرامی اسلام۹ قرار گیرد.

ص ۱۱

۱

اُمّ اَیْمَن

ام ایمن، کنیه «برکهٔ بنت ثعلبهٔ بن عمر حبشیه»، از زنان مشهور صحابی و دایه رسول خدا۹ است.(۱)

ام ایمن کنیز عبدالله بن عبدالمطلب بود که از راه ارث، به رسول خدا۹ رسید(۲). وقتی آمنه، مادر پیامبر۹ تصمیم گرفت به یثرب برود تا آرامگاه شوهرش را زیارت کند، ام ایمن همراه وی بود. هنگام برگشتن از مدینه، آمنه در محلی به نام «ابواء»(۳) رحلت کرد. از آن پس، دایگی پیامبر۹ را ام ایمن به عهده گرفت.(۴)

۱- الطبقات الکبری، محمد بن سعد، ج۸، ص۲۲۳.

۲- الاستیعاب، ابن عبدالبر، ج۴، ص۳۵۶.

۳- محلی در فاصلهٔ ۳۰ میلی مدینه است که امروزه به آن مستوره می‌گویند؛ دائرهٔ المعارف بزرگ، ج۱، ص۳۰۷.

۴- مروج الذهب، علی بن حسین مسعودی، ج۲، ص۲۷۵؛ امتاع الاسماع، احمد بن علی مقریزی، ج۱، ص۱۴

ص۱۲

امایمن تا آنجا که می‌توانست از پیامبر۹ جدا نمی‌شد. پیامبر۹ دربارهٔ وی فرمود: «اُمُّ اَیمَن اُمّی بَعـدَ اُمّی»(۱) ؛ «ام ایمن بعد از مادرم، مادر من است». همچنین می‌فرمود: «او تنها باقی‌مانـدهٔ خانـدان من است»(۲). هرگاه چشم حضـرت به او می‌افتاد، می‌فرمود: «یا اُمَّه»؛ «ای مادر».

پیامبر اکرم۹ بعد از ازدواج با حضـرت خدیجه۳، ام ایمن را آزاد کرد. او با «عبیـد بن زیـد خزرجی» ازدواج کرد و ایمن متولـد شد. ایمن در جنگ حنین (سال هشـتم هجری) به شـهادت رسید و خود عبید در غزوه خیبر به شهادت رسید. شهرت ام ایمن، از نام ایمن است(۳). بعد از فوت عبید، پیامبر۹ فرمود: «هر کس از اینکه با زنی از زنان بهشتی ازدواج کند خوشحال می‌شود، با ام ایمن ازدواج کنـد». پس از این سـخن پیامبر۹، زیـد بن حارثه، آزادشـده و پسـرخوانده پیامبر۹ بـا او ازدواج کرد کـه اُسـامه از این ازدواج متـولد شد.(۴)

امایمن، بعد از رحلت حضرت‌خدیجه۳، بدن مطهر او را به کمک «ام‌الفضل» ـ همسر عباس بن

۱- الإستیعاب، ج۴، ص۳۵۶؛ الإصابه، احمد بن علی بن حجر، ج۸ص۳۵۹.

۲- الطبقات الکبری، ج۸، ص۱۷۹

۳- همان، ص۲۲۳.

۴- الاصابه، ج۴، ص۴۳۲.

ص۱۳

عبدالمطلب ـ غسل داده و کفن کردند.(۱) ام ایمن از نخستین کسانی بود که اسلام آورد و از هجرت‌کنندگان به حبشه است.(۲) از زمان و چگونگی برگشت او از حبشه، اطلاعی در دست نیست. رسول خدا۹ هنگام مهاجرت به مدینه، امانت‌های مردم را به او سپرد تا به علی بن ابی‌طالب۷ تحویل دهد و آن حضرت نیز آنها را به صاحبانشان برگرداند.(۳)

ام ایمن در جنگ احد (سال سوم) و خیبر (سال هفتم) به مداوای مجروحان، خستگان و واماندگان می‌پرداخت و برای آنان آب می‌برد.(۴) در جنگ احد، به صورت فراریان خاک می‌پاشید و به آنان دوک نشان می‌داد و می‌گفت شمشیرتان را بدهید و نخ بریسید.(۵)

در ایام ولادت امام‌حسین۷، (در سال سوم هجرت) ام ایمن خواب دید که قطعه‌ای از بدن مبارک پیامبر۹ جدا شد و در خانه او افتاد. این خواب وی را ناراحت و آشفته ساخت و باعث گریه او شد. وقتی حضرت

۱- امتاع الاسماع، ج۶، ص۳۱.

۲- الاستیعاب، ج۴، ص۳۵۶.

۳- المجموع فی شرح المهذب، محیی‌الدین بن شرف نووی، ج۱۴، ص۱۸۴.

۴- الطبقات الکبری، ج۸، ص۲۲۵؛ مغازی، محمد بن عمر واقدی، ج۱، ص۲۴۱؛ ج۲، ص۶۸۵.

۵- شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج۱۵، ص۲۴.

ص۱۴

خبردار شد، او را فرا خواند و فرمود: «دیشب به من خبر رسید که تا صبح گریه کرده‌ای؟» ام‌ایمن، خواب را برای حضرت تعریف کرد. حضرت در تعبیر خواب او از ولادت امام حسین۷ خبر داد و فرمود: «او بعد از ولادت، در خانه شما رفت و آمد، خواهد کرد».(۱)

رسول خدا۹ پیوسته به دیدار ام ایمن می‌رفت. بعد از رحلت رسول خدا۹، خلیفه اول و دوم نیز به پیروی از آن حضرت۹ به دیدن او می‌رفتند.(۲) به هنگام بیماری رسول خدا۹، ام ایمن گریه می‌کرد و می‌گفت: «می‌دانم حضرت رخت از این جهان برمی‌بندد؛ اما از آن جهت می‌گریم که وحی و اخبار آسمانی از ما قطع می‌گردد».(۳)

او از پیامبر۹ روایاتی نقل کرده است: «انس بن مالک»، «حَنَشِ بن عبدالله صنعانی» و «ابوزید المَدینی» از کسانی هستند که از او روایت کرده‌اند.(۴)

او پیشاپیش، خبر شهادت امام حسین۷ را از رسول خدا۹ نقل کرده بود.(۵) حضرت زینب۳ پس

۱- روضهٔ الواعظین، فتال نیشابوری، ص۱۵۵.

۲- الاستیعاب، ج۴، ص۳۵۶.

۳- الطبقات الکبری، ج۸، ص۲۲۶.

۴- تهذیب الکمال، ابوالحجاج یوسف بن احمد نیشابوری، ج۲۲، ص۴۴۷.

۵- کامل الزیارات، جعفر بن محمد قولویه قمی، ص۴۴۶.

ص ۱۵

از ضربت‌خوردن حضرت علی۷ از ایشان درباره خبر امایمن پرسید، امیرمومنان فرمود: «حدیث همان است که ام ایمن نقل کرده است»(۱). از دیگر احادیث او، حدیثی است در فضیلت تربت سیدالشهداء۷ که از پیامبر خدا۹ چنین نقل کرده است:

هی (ارض کربلا) أطهَرُ بِقاعِ الأرضِ وأعظَمُها حُرمةً وَأنّها لَمِنْ بَطْحاء الْجَنَّهْ.(۲)

سرزمین کربلا، پاکیزه‌ترین بقعه روی زمین و از نظر احترام و حرمت از بزرگ‌ترین بقعه‌هاست و همانا کربلا از بساط‌های (باغ‌های) بهشت است.

«جوهری»، او را در شمار شاهدان حضرت زهرا۳ در قضیه فدک آورده است(۳). همچنین نقل شده که او از معتمدترین زنان نزد حضرت زهرا۳ بود. درباره ازدواج حضرت زهرا۳ و هدایای الهی و نثار ملائکه، حدیث مفصلی از رسول‌خدا۹ نقل کرده است(۴). هنگامی که حضرت، متوجه رحلت خود شد،

۱- کامل الزیارات، ص۴۴۸.

۲- بحارالأنوار، محمدباقر مجلسی، ج۲۸، ص۵۹، السجود علی الارض، علی احمدی، ص ۱۴۰.

۳- السقیفهٔ و فدک، احمد بن عبدالعزیز جوهری، ص ۱۱۰؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج۱۶، صص۲۱۴ـ۲۲۰.

۴- تفسیر عیاشی، ج۲، ص۲۱۲؛ روضهٔ الواعظین، ص۱۴۶؛ امالی صدوق، ص۳۶۲.

ص ۱۶

ام ایمن را خواست تا علی۷ را خبر کند.(۱)

ام ایمن، در روایـاتی چنـد از رسول اکرم۹ در زمره زنان بهشتی شـمرده شـده است.(۲) امام باقر۷ فرمود: «فـإنی أشْـهَدُ أَنَّها مِنْ أهْلِ الجَّنَّةِ»(۳) ؛ «من شهادت می‌دهم که او]ام ایمن[از بهشتیان است».

او در اوایل خلافت عثمان، یعنی پس از ۳۲ ه.ق از دنیا رفت.

«ابن سـعد» نقل کرده که «ابن ابی‌الفرات»، مولای (غلام) اسامـهٔ بن زیـد با «حسن بن اسامه» نزاع کردند. ابن ابی‌الفرات، به حسن بن اسامه گفت: «ای پسـر برکه!» مقصودش از برکه، ام ایمن بود. حسن، کسانی که آنجا بودند را شاهد گرفت که ابن ابی‌الفرات به من گفت پسـر برکه. پس نزد قاضـی مـدینه شـکایت کردنـد. قاضـی مدینه، به جهت این بی‌حرمتی که خواسـته بود او را کوچک کند، هفتاد تازیانه به او زد و گفت: «رسول خـدا۹ او را مادر خطاب کرده است»(۴). ام ایمن، احادیث بسـیاری از رسول خدا۹ نقل کرده است.(۵)

۱- روضهٔ الواعظین، ص ۱۵۱؛ الحدائق الناضرهٔ، یوسف بحرانی، ج ۴، ص ۸۹.

۲- کافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۱، ص ۵۴۳.

۳- همان، ج ۲، ص ۴۰۵.

۴- الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۲۶.

۵- مسند احمد بن حنبل، ج ۶، ص ۴۲۱؛ المعجم الکبیر، طبرانی، ج ۲، ص ۸۵.

ص۱۷

۲

أُمّ فَرْوَةَ ظِئرُ النَّبی٩

«ام فروه» از صحابه و دایه رسول اکرم٩ بود(۱). از چگونگی اسلام‌آوردن، زندگی، نسب و قبیله او اطلاعی در دست نیست. «شامی»، دَه نفر از دایگان رسول خدا٩ را شمرده و او را نهمین دایه‌ای دانسته که حضرت را شیر داده است(۲) .

تنها یک روایت از رسول خدا٩ را به او نسبت داده‌اند که پیامبر اکرم٩ به او فرمود: «هنگام خواب، سورهٔ {قُلْ یا أَیُّهَا الْکافِرُونَ} را بخوان که این سوره، بیزاری از شرک است».

در استناد این روایت، به ام‌فروه تردید شده است. بعضی گفته‌اند راوی این حدیث، فروه، ابوفروه و یا

۱- اسدالغابه، ج۷، ص۳۶۵.

۲- سبل الهدی و الرشاد، صالحی شامی، ج۱، ص۳۸۷.

ص۱۸

نوفل است. «ابن حجر» گفته، استناد این روایت به ام فروه، قولی بعید، بلکه اشتباه است. منشأ اشتباه این است که به دنبال نام فروه، «ظئر» آمده، آنان خیال کرده‌اند که ظئر، تنها به زن مرضعه اطلاق می‌شود. درحالی‌که ظئر، به شوهر زن مرضعه که صاحب لبن و شیر است نیز گفته می‌شود.

«ابن کثیر»، مرضعه را به معنای زن شیرده گرفته و از او با نام فروه یاد کرده و روایت را نیز از وی دانسته است و این قول را به ابواحمد عسکری و ابن اثیر، نسبت داده است.

ص۱۹

۳

حلیمه سعدیه

«حلمیه» دختر «عبـدالله بن حارث» از قبیله «سـعد ابن هوازن» و جزو مادران رضاعی رسول خدا۹ بود. علت شیر دادن حلیمه به رسول خدا۹ این است که بر پایه گزارش‌های تاریخی، عادت و رسوم بزرگان و اشـراف عرب پیش از اسـلام چنان بود که فرزندان خود را از شـیرخوارگی به بیابان‌های اطراف مکه می‌فرسـتادند تا از نظر جسـمی، سالم بماننـد، در هوای آزاد رشـد کنند، در گفتار، فصـیح شوند و از قریحه‌ای سالم بهره‌مند شوند. رسول خدا۹ نیز از این سنت نیکو بهره‌مند شد.

عبدالمطلب که در پی دایه‌ای بود تا آن حضرت را

ص ۲۰

شیر دهد، حلیمه دختر «ذؤیب» را یافت که همراه شوهرش به مکه آمده بود تا نوزادی را برای شیردادن نزد خود ببرد.

بنابر قولی، عبدالمطلب اعلام کرد که فرزندش دایه می‌خواهد. در پی این درخواست، زنان شیرده زیادی آمدند؛ ولی حضرت پستان هیچ‌کدام را نگرفت. وقتی این خبر منتشر شد، حلیمه سعدیه آمد و اعلام کرد که او نیز شیر دارد. حلیمه سینه‌اش را جلو آورد، ولی حضرت نگرفت؛ اما به سینه دیگرش متمایل شد که شیر نداشت یا کم شیر داشت. یکباره سینه پر از شیر شد. به عبدالمطلب خبر دادند. پرسید: «نامش چیست؟» گفتند: «حلیمه». پرسید: «از کدام قبیله است؟» گفتند: «سعدیه». عبدالمطلب گفت: «دو خصلت نیکو و پسندیده، یکی حلم و بردباری (حلیمه) و دیگری سعادت (سعدیه)». و بدین‌سان دایگی حلیمه را به فال نیک گرفت و فرزندش را به او سپرد. عبدالمطلب، حلیمه را فرا خواند و به او

ص ۲۱

گفت: «من جدّ این کودک و جای پدر او هستم ؛ اگر خواستی او را شیر دهی، به تو می‌سپارمش و مزد تو را نیز عهده‌دار می‌شوم».
حلیمه، محمـد را نزد قبیله خود برد. هنگـامی که آمنه محمـد را تحویـل حلیمه می‌داد، ضـمن برشـمردن حوادث خارق‌العـادهٔ هنگام ولادت رسول خدا۹ گفت: «به من گفته شد بعد از سه شبانه روز فرزندت در خانه ابوذؤیب، شیر خواهد خورد». حلیمه گفت: «کنیه شوی من ابوذؤیب است» و آمنه از این خبر بسیار مسرور شد.
ابن شاذان قمی گویـد: خیلی از زنان بنی‌هاشم خواسـتند محمـد را شیر دهنـد، ولی محمـد، سینه هیـچ‌یک از آنان را نگرفت؛ مانند حضرت موسی۷ که خداونـد درباره او فرمود: (وَ حَرَّمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ...) (قصـص: ۱۲) چنان‌که در منابع آمـده است، عبدالمطلب از پدر حلیمه خواست، دخترش، محمد را شیر دهد. پدر حلیمه گفت: «کدام دخترم؟» عبدالمطلب گفت: «هر کدام عاقل‌تر و

ص۲۲

باحیاتر است». پدر حلیمه گفت: «حلیمه از نظر عقل، کامل‌تر و از نظر فهم، بهتر است. زبانی فصیح و قلبی مهربان دارد و راستگوست».

پدر حلیمه، خبر تقاضای عبدالمطلب را برای دایگی محمد به حلیمه داد. حلیمه خیلی خوشحال شد و خود را همراه همسرش به مکه رساند. حلیمه پیامبر را به صحرا برد. قبیله بنی‌سعد که تهی‌دست بودند، به برکت وجود رسول خدا۹ از نعمت‌های فراوانی برخوردار شدند. حلیمه و شوهرش، درباره برکات وجود آن حضرت در قبیله بنی‌سعد، داستان‌هایی را نقل کرده‌اند. حلیمه در این باره گفته: زمین‌های ما خشک بود؛ ولی وقتی محمد به قبیله ما آمد، گوسفندان ما از صحرا سیر باز می‌گشتند و از آنها شیر می‌دوشیدیم. همه آرزو می‌کردند که یتیمی مثل محمد نصیب آنان شود. خداوند به برکت او، فقر و بلا را از ما دور کرد و خیر و برکت را در میان ما جاری ساخت.

به این ترتیب، بنی‌سعد، برکت وجود شریف آن

ص۲۳

حضرت۹ را در مورد خود و اموالشان مشاهده کردند. سرانجام حسادت برخی از خاندان‌ها به وجود رسول خدا۹ در نزد بنی‌سعد، موجب شد تا رسول خدا۹ نزد خانواده‌اش برگردد در حالی که حلیمه به هیچ وجه نمی‌خواست او را از خود جدا کند. شوهر حلیمه به وی گفت:

به خدا سوگند! حسادت خاندان فلان و فلان، برای بهره‌مندی‌مان از برکات بزرگ خداوند متعال به واسطه وجود محمد است.

حلیمه پس از دو سال، رسول خدا۹ را به خانواده‌اش بازگرداند ، عبدالمطلب به خاطر وبای شایع شده، دوباره حضرت را به حلیمه بازگرداند. حلیمه نیز به دلیل برکاتی که از وی دیده بود، با کمال میل پذیرفت. حلیمه درباره بازگشت رسول خدا۹ می گوید:

بعد از تمام شدن دو سال، با کودکِ آمنه نزد او آمدیم و چون خیر و برکت زیادی از او دیده

ص۲۴

بودیم، به آمنه گفتیم و اصرار کردیم یک سال دیگر نزد ما بماند تا از وبای مکه در امان بماند.

زیاد شدن شیر در سینهٔ حلیمه سعدیه، سرعت و قوت گرفتن مرکب ضعیف حلیمه، برخورداری از نعمت باران و سرسبز شدن صحرای بنی‌سعد و نیز زیاد شدن شیر گوسفندان و شترها، از برکات وجود رسول خدا۹ در صحرای بنی‌سعد شمرده شده است.

رسول خدا۹ تقریباً چهار سال در خانه حلیمه سعدیه و دور از خویشان خود زندگی کرد. سال ششم بعد از عام الفیل، حلیمه او را نزد آمنه آورد. حلیمه در وصف رسول خدا۹ چنین می گوید:

محمد به کودکانی که بازی می کردند نگاه می کرد؛ اما با آنان بازی نمی کرد. هرگز از او کارهایی که از دیگر کودکان سر می‌زد، ندیدم. او بسیار تمیز بود. عریان بودن بدنش را دوست

ص۲۵

نـداشت. هنگامی که زبان به سـخن می‌گشود، سـخنان نیکو می‌گفت. صـدقه نمی‌خورد. اگر با حیوانی بـدرفتاری می‌شـد، با دسـت کشیدن، حیوان را آرام می‌کرد.

حلیمه، پیش از رسول خـدا۹ حمزهٔ بن عبدالمطلب، ابوسـلمه مخزومی (همسـر ام سـلمه) و ابوسفیان بن حارث بن عبدالمطلب را شیر داده بود ؛ البته گفته‌انـد: نخستین زنی که چند روزی رسول خدا۹ را شـیر داد، ثُویبه کنیز ابولهب بود. اما برخی از محققان، با استناد به اختلافاتی که در نقل‌های تاریخی وجود دارد، در شیردادن ثویبه، تردید کرده‌اند.

سَلمی، خواهر حلیمه و خـاله رضـاعی حضـرت و عبـدالله بن حارث و انیسـهٔ بنت حارث، و شـیماء فرزنـدان حلیمه، برادر و خواهران رضاعی حضرت بودند.

ص۲۶

رسول خدا۹ عـده‌ای از اسـرای بنوجُشم را که تیره‌ای از سـعد بن بکر بن هوازن بودنـد و در غزوه حنین اسـیر شـده بودنـد، به خـاطر حلیمه مـادر رضـاعی خود، بخشود. در این غزوه شـیماء خواهر رضـاعی پیـامبر نیز اسـیر شـد و بـا مهربانی از سوی پیامبر پـذیرایی و بخشوده شد.

ص ۲۷

۴

ثُوَیبه

رسول خدا۹ بعد از تولد، تنها چند روز از مادرش شیر خورد؛ پس از آن به دلایل مختلفی که برای ما معلوم نیست و از این دلایل می‌تواند بیماری مادرش باشد، دایگان متعددی آن حضرت را شیر دادند. شامی، ده دایه برای رسول خدا۹ شمرده و نخستین دایه را ثویبه، کنیز ابولهب دانسته است.

ثویبه، از شیر پسرش «مسروح» به رسول خدا۹ شیر داده است. زمان شیردادن ثویبه به آن حضرت، چند روز پیش از آمدن حلیمه سعدیه (به اختلاف سه یا هفت روز) بوده است. در گزارش دیگر این مدت

ص۲۸

چهار ماه ذکر شده است. آگاهی زیادی از زندگی ثویبه نداریم. «مستوفی»، ثویبه را یمنی می‌داند. او قبل از رسول خدا۹، «حمزهٔ بن عبدالمطّلب»، «جعفر بن ابی‌طالب» و «ابوسلمهٔ بن عبدالاسد مخزومی» و «عبدالله بن جحش» را نیز شیر داده بود. از این شواهد فهمیده می‌شود که حرفه ثویبه، دایگی بوده است.

ام‌حبیبه، همسر رسول خدا۹ و دختر ابوسفیان می گوید:

به رسول خدا۹ عرض کردم: «چقدر خوب است که خواهر مرا هم به ازدواج خود درآوری؛ چون دوست دارم او نیز افتخار همسری شما را پیدا کند». پیامبر فرمود: «خواهر تو، بر من حلال نیست».

ام‌حبیبه می گوید:

دوباره عرض کردم: «شنیده بودم که می‌خواهی با دره، دختر ابوسلمه مخزومی ازدواج کنی؟» حضرت فرمود: «او هم بر من حرام است؛ زیرا او

ص ۲۹

دخترِ برادر رضاعی من است. ثویبه، من و ابوسلمه را با هم شیر داده است».

در روایت دیگری آمده است که رسول خدا۹ از «ام‌حبیب»، دختر «عباس بن عبدالمطلب» خواستگاری کرد؛ اما معلوم شد عباس نیز برادر رضاعی اوست که ثویبه هر دو را شیر داده است؛ لذا از خواستگاری منصرف شد. البته صحت این گزارش محل تردید است؛ زیرا بعید است که آن حضرت از خواهر رضاعی خود اطلاع نداشته باشد.

«واقدی» نقل می‌کند: «رسول خدا۹ تا هنگامی که در مکه بودند، نزد ثویبه می‌رفتند و به او کمک می‌کردند. خدیجه هم ثویبه را گرامی می‌داشت». ثویبه همچنان کنیز و برده ابولهب بود و حضرت خدیجه۳ از ابولهب خواست تا ثویبه را به او بفروشد تا آزادش کند، ولی ابولهب نپذیرفت ؛ اما پس از هجرت رسول خدا۹ به مدینه، ابولهب ثویبه را آزاد کرد. بعد از آن، پیامبر۹ برای ثویبه جامه و پول

ص ۳۰

می‌فرستاد. برخی از محققان، با استناد به اختلافاتی که در محتوای نقل‌های تاریخی و تناقضی که در زمان شیر دادن افراد، توسط ثویبه وجود دارد، در شیر دادن ثویبه به رسول خدا۹ تردید کرده‌اند.

از جمله تناقضات اشاره شده، اختلاف سنی حمزه و رسول خدا۹ است؛ زیرا حمزه دو سال از رسول خدا۹ بزرگ‌تر بود و شیر خوردن این دو نفر از شیر «مسروح»، فرزند ثویبه مشکل است. این در حالی است که مورخان در برادرِ رضاعی بودن حمزه و رسول خدا۹ اتفاق نظر دارند. روایاتی نیز حاکی از تکریم و احترام رسول خدا۹ به ثویبه است. شواهد زیادی بر درستی خبر شیر خوردن حضرت، نزد ثویبه وجود دارد، به‌ویژه که در جاهلیت و بعد از آن، زنانی بودند که حرفه و کار آنان دایگی بود و صاحبان این کنیزان، از این طریق درآمد کسب می‌کردند.

از این رو، هیچ بعید نیست که دایه‌ای بیش از دو سال شیر داشته باشد، به‌ویژه که درباره رسول خدا۹ آمده است که چند روز بیشتر از ثویبه شیر نخورده

ص ۳۱

است؛ در این صورت ثویبه در ابتدای شیر دهی خود، حمزه را و در اواخر شیردهی، رسول خدا۹ را شیر داده است؛ البته این امکان وجود دارد که ثویبه، قبلاً عباس را از شیر فرزند دیگرش که نام او به ما نرسیده یا در کودکی از دنیا رفته، شیره داده باشد.

مطلب دیگری که درباره ثویبه وجود دارد، اسلام اوست. آیا مسلمان شده بود یا نه؟ در گزارش‌های تاریخی، اختلاف است. بنا بر برخی از گزارش‌های تاریخی ثویبه مسلمان شد. چنان‌که مرحوم مجلسی تصریح کرده است: «تکریم رسول خدا۹ از ثویبه نیز می‌تواند دلیل بر اسلام او باشد».

ثویبه در سال هفتم هجری درگذشت. رسول خدا۹ وقتی خبر درگذشت ثویبه را شنید، از فرزندش مسروح پرسید، به آن حضرت گفتند: «مسروح پیش از مادرش درگذشت و کسی از خویشاوندان او باقی نمانده است».

در خبری آمده که بعد از مرگ ابولهب، برادرش عباس بن عبدالمطّلب او را در خواب دید و از حالش

ص۳۲

پرسید، ابولهب گفت: «تنها به جهت آزاد کردن ثویبه، روزهایی از هفته، از عذاب من کم می‌شود». گذشته از اینکه گزارش بالا تنها یک خواب است و با سند مرسل نیز نقل شده است، مخالف آموزه‌های قرآنی است؛ زیرا طبق صریح آیات قرآن عمل کافر در قیامت، برای او نفعی نخواهد داشت؛ بنابراین، صحت خبر مزبور محل تردید است و هیچ حجیتی ندارد.

ص۳۳

۵

اسماء بنت یزید بن سَکَن

کنیه اسـماء، «ام عامر» و از تیره «بنی‌عَبْدُالاَشْـهل» از طایفه بزرگ «خزرج» بود؛ لذا به ام عامر اشهلیه شهرت داشت. او از زنان مجاهد و صحابه و دختر عمه معاذ بن جبل بود. برخی نیز او را «ام سلمه انصاریه» دانسته‌اند.

پدرش یزید بن سکن در جنگ احد، سخت از

ص ۳۴

رسول خدا۹ دفاع کرد و جراحات سختی برداشت. پیامبر۹ فرمود: «او را پیش من بیاورید». یزید خود را کشان‌کشان به پیامبر۹ رساند و درحالی‌که صورت خود را روی پای رسول خدا۹ گذاشته بود، شهید شد.

مادرش «ام سعد» دختر «خزیم بن مسعودی» است. اسماء جزو زنانی بود که در سال اول هجری، خدمت رسول خدا۹ رسید و با ایشان بیعت کرد. بنا به قولی، اولین زنی بود که با پیامبر۹ بیعت کرد. او

می‌گوید:

من و لیلی دختر حطیم و حواء دختر یزید بن سکن، درحالی‌که چادرهای خود را به خود پیچیده بودیم، بین نماز مغرب و عشا خدمت رسول خدا۹ رسیدیم. من سلام کردم، رسول خدا نسب ما را سؤال کرد. سپس خوش‌آمد گفت و از کار ما سؤال کرد. گفتیم: «آمده‌ایم با شما بیعت کنیم. ما نبوت شما را تصدیق کرده‌ایم و گواهی می‌دهیم آنچه را آورده‌ای، حق است». رسول خدا۹ فرمود: «سپاس خدای متعال را که شما را به اسلام هدایت کرد. من با شما بیعت کردم».

ص۳۵

اسماء گوید:

به رسول خدا۹ نزدیک شدیم. حضرت فرمود: «من با زن‌ها مصافحه نمی‌کنم و دست نمی‌دهم. سخن من برای هزار زن، مانند سخن من برای یک زن است؟»

وی در بعضی از غزوات رسول خدا۹ شرکت داشت. بعد از جنگ احد، حضرت بر بنی‌عبدالاشهل وارد شد. آنان بر کشته‌های خویش گریه می‌کردند. وقتی گریه آنان را دید، فرمود: «لکنَّ حَمزةَ لا بَواکِیَ لَهُ» ؛ «اما حمزه گریه‌کننده‌ای ندارد».

اسماء با شنیدن این سخن، ساکت شد و به رسول خدا۹ عرض کرد: «هر مصیبتی بعد از سلامتی شما گواراست». او در جنگ خندق شرکت داشت و برای رسول خدا۹ خرمای مخلوط با آرد و

روغن برد. پیامبر۹ نزد ام سلمه بود. ام سلمه، مقداری از آن را گرفت و رسول خدا۹ با بقیه غذا، اهل خندق را غذا داد. همه سیر شدند، ولی چیزی از

ص۳۶

غذا کم نشد.

در غزوه حدیبیه، چهار زن همراه رسول خدا۹ بودند. یکی از آنان، ام عامر اشهلیه (اسماء) بود. او در جنگ یرموک هم شرکت داشت و با عمود خیمه، نُه نفر از مشرکین قریش را کشت.

شوهر اسماء، ابوسعید انصاری، تا زمان خلافت عبدالملک زنده بود. اما تاریخ وفات او مشخص نیست.

ابن حجر عسقلانی، ام عامر بنت یزید بن سکن را به غلط غیر از ام عامر اشهلیه دانسته و این دو را جدا ذکر کرده است.

وی از رسول خدا۹ روایات زیادی نقل کرد. ابن حمزه، او را در شمار راویانی آورده که در «مسند احمد» از رسول خدا۹ روایت دارند.

محمود بن عمرو، مهاجر بن ابی‌مسلم و شهر بن حَوْشب از کسانی هستند که از او روایت نقل

ص۳۷

کرده‌اند.

ابن سعد، از طریق خود، از اسماء دختر یزید بن سکن نقل کرده که گفته است:

از رسول خدا۹ شنیدم که فرمود: «فرزندان خود را با شیردادن در دوران بارداری خود پوشیده به کشتن مدهید. سوگند به کسی که جان من در دست اوست، اگر آنان با سواران رویاروی شوند از پای درمی‌آیند و تباه می‌شوند».

به نقل ابن سعد، واقدی گفته: «مقصود این است که هنگامی که زنان، کودکان را شیر می‌دهند، باردار نشوند یا با همسرانشان همبستر نشوند».

در روایت دیگری، اسماء گفته است:

رسول خدا۹ در مسجد محله ما نماز مغرب را خواند. من به خانه برگشتم، پاره گوشتی پخته که به استخوان چسبیده بود و چند گرده نان به حضورش بردم و عرض کردم: «پدر و مادرم فدایت باد! شام بخور». آن حضرت، خطاب به یاران خود فرمود: «به نام خدای متعال بخورید». آن حضرت و یارانش و همه کسانی که حضور داشتند، از آن غذا خوردند و

ص۳۸

اندکی از غذا هم باقی ماند. سپس آن حضرت از مشک آبی که در خانه‌ام بود، نوشید. بعد از این، من از آن آب به بیماران می‌نوشاندم و گاهی به امید تبرک و خیر و برکت از آن آب می‌نوشیدم.

ص۳۹

۶

ام رِعْلهٔ ـ قشیریهٔ

وی، زنی شاعر، سخنور و فصیح بود. او از بادیه‌های اطراف مدینه، همراه شوهرش، ابو رعله، خدمت پیامبر اکرم۹ رسید و ضمن شمردن وظایف زنان، به ایشان عرض کرد:

سلام و رحمت خدا بر تو ای رسول خدا! ما زنان پرده نشینیم، همسرداری می‌کنیم، فرزندان شوهرانمان را تربیت می‌کنیم و بهره‌ای از جهاد در راه خدا نداریم، مطلبی بیاموز که ما را به خدا نزدیک کند.

پیامبر۹ از فصاحت او تعجب کرد و در جواب فرمود:

عَلَیْکُنَّ بِذِکرِ اللهِ آناءَ اللَّیْلِ وَ النَّهارِ وَ غَضِّ البَصَرِ وَ خَفضِ الصَّوتِ.

ص ۴۰

بر شما (زنان) باد که در شب و روز به یاد خدا باشید و چشمان خود را از نامحرم بپوشانید و صدای خود را بلند نکنید.

در حدیث دیگری آمده است که به رسول خدا۹ عرض کرد:

یا رَسُولَ اللهِ۹ إنّی اْمرأةٌ مُقَنّیهٔ أقَیِّن النِّساء وَ أُزَیِّنُهُنَّ لأزْواجِهِنَّ فَهَلْ هُو حَوبٌ فأثبطَ عنه. فَقَال لَها: یا أُمَّ رِعلَه! قَیِّنیهُنَّ وَ زَیِّنیهُنَّ إذا کَسدنَ.

یا رسول الله! من آرایشگر زنانم و آنان را برای شوهرانشان زینت می‌کنم. آیا این گناه است و باید آن را ترک کنم؟ حضرت فرمود: «ای ام رعله! آنان را برای شوهرانشان آرایش کن و زینت ده؛ آن‌گاه که زشت شدند و به هم ریختند».

بعد از این، ام رعله به قبیله خود برگشت و در زمان حیات رسول خدا۹ خبری از او نبود تا اینکه در ایام «ردّه» به مدینه برگشت و متوجه رحلت پیامبر۹ شد و بسیار محزون گشت و برای ابراز حزن خود، حسن و حسین۸ را در کوچه‌های مدینه می‌گرداند و گریه می‌کرد و مرثیه ذیل را نیز که خود

ص۴۱

ص۴۲

سروده بود، می‌خواند:

یا دارَ فاطِمَةَ المعمورَ ساحَتُها

هیجت لی حزنا حییت من دار

ای خانه فاطمه که آباد بودی، اندوه مرا برانگیختی، خدا تو را آباد کند.

ص۴۳

کتابنامه

* قرآن کریم.

۱. الاحاد و المثانی، ابوبکر احمد بن عمرو بن ابی‌عاصم، تحقیق باسم فیصل احمد الجوابره، ریاض، دارالدرایه، ۱۴۱۱ه .ق.

۲. الاستیعاب فی معرفهٔ الأصحاب، یوسف بن عبدالله بن عبدالبر، تحقیق علی محمد سجاوی، چاپ اول، بیروت، دارالجیل، ۱۴۱۲ه .ق.

۳. اسد الغابهٔ فی معرفهٔ الصحابه، علی بن ابی‌الکرم بن اثیر، تحقیق علی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ه .ق.

۴. الاصابهٔ فی تمییز الصحابه، احمد بن علی بن حجر العسقلانی، تحقیق عادل احمد عبدالموجود، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ه .ق.

۵. الإصابهٔ فی تمییز الصحابه، احمد بن علی بن حجر، بیروت، دارالجیل، ۱۴۱۲ه .ق.

۴۴:

۶. اعلام الوری، فضل بن حسن طبرسی، تحقیق و نشر مؤسسهٔ آل البیت لإحیاء التراث، قم، ۱۴۱۷ه . ق.

۷. اعیان الشیعه، محسن امین، بیروت، دارالتعارف، [بی‌تا].

۸. الإکمال فی ذکر من له روایهٔ فی مسـند الإمام احمد، محمد بن علی بن الحسن بن حمزه حسینی، تحقیق عبدالمعاطی امین قلعجی، کراتشی، جامعهٔ الدراسات الإسلامیه.

۹. امتاع الأسماع، احمد بن علی مقریزی، تحقیق محمد عبدالحمید النمیسی، بیروت، دارالکتب العلمیه.

۱۰. انساب الأشراف، احمد بن یحیی بلاذری، تحقیق سهیل زکّار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ه .ق.

۱۱. بحارالأنوار، محمدباقر مجلسی، بیروت، مؤسسهٔ الوفاء، ۱۴۰۳ه .ق.

۱۲. تاریخ الإسلام، محمد بن احمد ذهبی، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتاب العبری، ۱۴۱۰ه .ق.

۱۳. تاریخ الامم و الملوک، محمد بن جریر طبری، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث.

۱۴. تاریخ الیعقوبی، یعقوبی، بیروت، دارصادر.

۱۵. تاریخ گزیده، حمدالله مستوفی، تهران، امیر کبیر.

۱۶. تاریخ مدینهٔ دمشق، ابی‌القاسم علی بن الحسن بن هبهٔ الله (ابن عساکر)، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ه .ق.

۱۷. تهذیب التهذیب، ابن حجر العسقلانی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۴ه .ق.

ص۴۵

۱۸. تهذیب الکمال فی أسماء الرجال، ابو الحجاج یوسف مزی، تحقیق سهیل زکار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ه .ق.

۱۹. جمهرهٔ انساب العرب، ابو محمد علی بن احمد بن حزم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۳ه .ق.

۲۰. الحدائق الناظره، تحقیق ایروانی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۲۱. حلیهٔ الأولیاء، احمد بن عبدالله ابونعیم اصفهانی، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ه .ق.

۲۲. ذخائر العقبی فی مناقب ذوالقربی، احمد بن عبدالله طبری، مکتبهٔ القدس، ۱۳۵۶.

۲۳. روضهٔ الواعظین، فتال نیشابوری، تحقیق: سید محمد مهدی سید حسن، قم، منشورات رضی.

۲۴. سبل الهدی و الرشاد، صالحی شامی، تحقیق عادل عبدالموجود، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ه .ق.

۲۵. السجود علی الارض، علی احمدی، بیروت، مرکز جواد، ۱۴۱۴ه .ق.

۲۶. السقیفهٔ و فدک، احمد بن عبدالعزیز جوهری، تحقیق محمد هادی امینی، بیروت، ۱۴۱۳ه .ق.

۲۷. السنن، احمد بن الحسین بیهقی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۴ه .ق.

۲۸. سیر اعلام النبلاء، محمد بن احمد ذهبی، تحقیق شعیب الارنؤوط، بیروت، مؤسسهٔ الرساله، ۱۴۱۳ه .ق.

ص ۴۶

۲۹. السیرهٔ النبویه، اسماعیل بن کثیر، تحقیق مصطفی عبدالواحد، بیروت، دارالمعرفه، ۱۳۹۶.

۳۰. السیرهٔ النبویه، عبدالملک بن هشام، تحقیق مصطفی السقا، مصر، مطبعهٔ مصطفی البانی، ۱۳۵۵ه .ق.

۳۱. السیرهٔ النبویه، عبدالملک بن هشام، تحقیق مصطفی سقا و دیگران، بیروت، دارالقلم.

۳۲. شرح الاخبار فی فضائل الأئمهٔ الاطهار، نعمان بن محمد تمیمی (قاضی نعمان)، تحقیق حسینی جلالی، قم، جامعه مدرسین.

۳۳. شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، تحقیق ابراهیم ابوالفضل، بیروت، داراحیاء التراث، ۱۳۸۵ه .ق.

۳۴. شرف المصطفی، ابوسعد عبدالملک خرگوشی، مکه، دارالبشائر الإسلامیه، ۱۴۲۲ه .ق.

۳۵. صحیح البخاری، محمد بن اسماعیل بخاری، بیروت، دارصادر.

۳۶. الصحیح من سیرهٔ النبی الأعظم۹، سید جعفر مرتضی عاملی، بیروت، دارالسیره.

۳۷. الطبقات الکبری، محمد بن سعد، تصحیح عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ه .ق.

۳۸. العقد الفرید، احمد بن عبدربه اندلسی، بیروت، دارالکتب العربیه، ۱۴۰۳ه .ق

۳۹. عیون الأثر فی فنون المغازی و الشمائل و السیر، ابن سید الناس، بیروت، مؤسسهٔ عزالدین، ۱۴۰۶ه .ق.

ص۴۷

۴۰. فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، احمد بن علی بن حجر العسقلانی، تحقیق عبدالعزیز عبدالله بن باز، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ه .ق.

۴۱. الفضائل، شاذان بن جبرئیل قمی، نجف اشرف، المطبعهٔ الحیدریه، ۱۳۸۱ه .ق.

۴۲. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، دارالکتب الإسلامیه، تهران.

۴۳. کامل الزیارات، جعفر بن محمد بن قولویه قمی، تحقیق جواد قیومی، مؤسسهٔ نشر اسلامی، ۱۴۱۷ه .ق.

۴۴. کتاب الثقات، محمد بن حبان تمیمی، حیدرآباد دکن، مطبعهٔ مجلس دائرهٔ المعارف العثمانیه.

۴۵. کنزالفوائد، محمد بن علی کراجکی، قم، مکتبهٔ المصطفوی، ۱۴۱۰ه . ق.

۴۶. لسان المیزان، احمد بن علی بن حجر العسقلانی، چاپ اول، بیروت، مؤسسهٔ الاعلمی، ۱۴۱۵ه .ق.

۴۷. المجموع فی شرح المهذب، محیی الدین بن شرف نووی، بیروت، دارالفکر.

۴۸. مروج الذهب و معادن الجوهر، علی بن الحسین مسعودی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۰ه .ق.

۴۹. مستدرک الحاکم، محمد بن محمد حاکم نیشابوری، تحقیق یوسف المرعشلی، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۶ه .ق.

۵۰. مستدرک سفینهٔ البحار، علی نمازی، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۹ه .ق.

ص۴۸

۵۱. المسترشد فی إمامهٔ امیرالمؤمنین۷، محمد بن جریر طبری، تحقیق محمودی، مطبعهٔ سلمان فارسی (اوایل قرن چهارم).

۵۲. مسند، ابویعلی موصلی، تحقیق حسین سلیم اسد، دارالمأمون للتراث.

۵۳. مسند، احمد بن حنبل، بیروت، دار صادر.

۵۴. المعجم الکبیر، سلیمان بن احمد طبرانی، تحقیق عبدالمجید سلفی، بیروت، داراحیاء التراث العربی.

۵۵. المغازی، محمد بن عمر واقدی، تحقیق مارسدن جونس، قم، نشر دانش اسلامی، ۱۴۰۵ه .ق.

۵۶. مناقب آل ابی‌طالب، ابن شهر آشوب، تحقیق لجنهٔ من اساتذهٔ النجف، مطبعهٔ محمد کاظم حیدری، ۱۳۷۶ه .ق.

۵۷. موسوعهٔ حیاهٔ الصحابیات، محمد سعید مبیض، بیروت، مؤسسه الریات، ۱۴۲۱ه .ق.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.
از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».